



یادداشت

مهدی حسن زاده

چرا الان از «حذف ارز ترجیحی» نمی‌توان کوتاه آمد؟

آنچه جرقه اعتراض‌های اخیر رازد، مشکلات اقتصادی به‌ویژه تورم و شتابان مواد غذایی بود. جهش نرخ ارز، نااطمینانی کسب‌وکارها و هراس بخشی از جامعه درخصوص تأمین مایحتاج عمومی، با اعتراض خیابانی و اعتصاب جمعی از بازاربان همراه بود. با این حال، اعلام تصمیم آزادسازی نرخ ارز و حذف ارز ترجیحی، به اعتقاد بسیاری از افراد موج بعدی نارضایتی و اعتراض‌ها را رقم زد. فارغ از این واقعیت روشن که اعتراض‌های بحق توسط عناصر ویرانی طلب و مزدوران دشمن به جنگ خیابانی و تلاش برای براندازی نظام تبدیل شدو درنتیجه بسیاری از معترضان صف خود را از اوپاش و آدم‌کشان جدا کردند، اکنون این بحث به طور جدی مطرح است که در قبال تصمیم اخیر در زمینه حذف ارز ترجیحی و پرداخت مابه تفاوت آن در قالب کارلایرگ به مردم چه باید کرد؟

این روزها طیف وسیعی از خطبای نماز جمعه تا سیاسیون منتقد و حتی همراه با دولت نیز اجرای طرح حذف ارز ترجیحی را به باد انتقاد گرفتند.

ابتدا باید توجه داشت که بخش عمده‌ای از این منتقدان و عموم کارشناسان معتقدند ارز ترجیحی یک سیاست موقت است و در طولانی مدت قابل ادامه دادن نیست. از این جهت شاید بسیاری از منتقدان درباره اصل تبدیل ارز ترجیحی به یک سیاست حمایتی مستقیم از مردم حرفی نداشته باشند، عمده انتقادها به زمان اجرا و چگونگی آن باز می گردد.

برخی کارشناسان معتقدند ارز ترجیحی باید به صورت تدریجی حذف شود. این تدریج می‌تواند با افزایش تدریجی نرخ ارز ترجیحی و یا کاهش کالاهای مشمول آن و یا ترکیبی از این دو اجرا شود. از سوی دیگر درباره زمان اجرا، اگرچه به نظر می‌رسد اقتضائات شرایط ارزی، دولت را به تعجیل در اجرای این طرح کشاند، اما در هر حال تردیدی نیست در شرایطی که تورم نقطه به نقطه خوراک‌ی‌ها بالای ۷۲ درصد است و چند سال است تورم سنگین در کنار رشد کمتر از تورم حقوق بگیران و چالش‌های اقتصادی، عرصه را برای بخش وسیعی از جامعه تنگ کرده است، شوک درمانی، خطرات بارزی دارد. از این منظر بخش مهمی از نقدها از تریبون‌های مختلف وارد است اما...

ما اکنون در شرایطی قرار داریم که این طرح با همه اشکالات آن در زمان اجرا و نحوه اجرا که به صورت شوک درمانی بوده، اجرا شده است و بی‌شک نتیجه مقبی برای اینکه ارز ترجیحی را بتوان بازگرداند و کارلایرگ را حذف کرد نداریم. اکنون باید به اصلاح سیاست اجرا شده و پرکردن خلأهای آن فکر کرد.

اکنون انتقاد باید ناظر به این باشد که برای آینده پیش رو حرف ایجابی داشته باشد و به گذشته برنگردیم و آنچه را که سپری کرده‌ایم، فعلاً به گذشته بسپاریم و برای آینده فکری کنیم. بنابراین انتظار می‌رود مسیر پیش‌رو پس از اجرای طرح حذف ارز ترجیحی با انتقاد مسئولانه و راهکارهای اصلاحی همراه باشد نه باقی ماندن در گذشته و انتقاد از آنچه که دیگر در دسترس ما نیست.

خبر

نحوه دریافت ارز مسافرتی در شرایط قطعی اینترنت

متقاضیان ارز مسافرتی می‌توانند با مراجعه به سامانه ارز مسافرتی این مرکز به نشانی اینترنتی travel.ice.ir اقدام به نام‌نویسی و تهیه ارز کنند.

به گزارش مدیریت ارتباطات مرکز مبادله ایران شرایط جدید ارز مسافرتی اعلام شد؛ متقاضیان پس از ثبت درخواست ارز مورد نیاز خود در سامانه ارز مسافرتی مرکز مبادله ایران، می‌توانند به باجه و یا دستگاه خودپرداز بانک موردنظر در فرودگاه مراجعه و پیش از پرواز ارز خود را دریافت کنند.

برای دریافت ارز مسافری، متقاضیان باید با وارد کردن شماره همراه و کد ملی خود ثبت نام و اطلاعات شخصی مورد درخواست همچون شماره گذرنامه و تاریخ تولد را در سامانه ثبت کنند؛ پس از آن باید اطلاعات پروازی نظیر فرودگاه مبدأ، کشور مقصد و همچنین تاریخ پرواز در سامانه قید و سپس بانک و ارز موردنظر را از میان بانک‌های دارای ظرفیت ارزی انتخاب کنند.

پس از ثبت، تأیید درخواست و پرداخت مبلغ، کد تحویل ارز به متقاضی ارائه می‌شود که افراد می‌توانند ارز مورد نیاز خود را با ارائه کد تحویل ارز، با مراجعه به دستگاه خودپرداز یا باجه‌های بانک عامل منتخب در فرودگاه مبدأ، دریافت کنند.

حکایت تأمل برانگیز «حداقلی‌گیری» که زندگی «دلاری» دارد

کارگر ایرانی در جدال با هزینه‌های دلاری



می‌شود جابه‌جایی در الگوی مصرف، کاهش کیفیت، تأخیر در خرید، جایگزینی کالاهای دست‌دوم با ارزان‌تر و اولویت دادن به هزینه‌های فوری به‌جای سرمایه‌گذاری‌های کوچک‌خانوار مانند آموزش، سلامت یا پس‌انداز است. این تغییرات، هرچند در کوتاه‌مدت به «سازگاری» تعبیر می‌شود، اما در میان‌مدت می‌تواند به کاهش سرمایه انسانی و افزایش نااطمینانی اقتصادی در طبقه کارگر منجر شود.

از منظر بنگاه‌های اقتصادی هم حداقل مزد پایین الزاماً مزیت رقابتی ایجاد نمی‌کند. تجربه اقتصاد ایران نشان داده وقتی دستمزد واقعی کاهش می‌یابد، بهره‌وری لزوماً بالا نمی‌رود.

نیروی کاری که دائماً درگیر جبران کسری معیشت است، کمتر می‌تواند در فرایند یادگیری، نوآوری یا حتی حفظ کیفیت تولید مشارکت مؤثر داشته باشد. در نتیجه بخشی از بنگاه‌های جایی ارتقای فناوری یا مدیریت، به‌فشرده‌سازی بیشتر هزینه‌نیروی کار عادت می‌کنند؛ مسیری که در بلندمدت به تضعیف بنیان تولید می‌انجامد، نه تقویت آن.

در سطح کلان‌تر نیز کاهش ارزش حداقل مزد پیامدهای مهمی برای تقاضای داخلی دارد. اقتصاد ایران، با دلایل محدودیت‌های بیرونی همچنان به مصرف داخلی متکی است. وقتی قدرت خرید بخش بزرگی از نیروی کار تضعیف می‌شود، تقاضا برای کالاها و خدمات پایه کاهش می‌یابد و این کاهش، خود به‌رکود پنهن در بخش‌هایی از اقتصاد دامن می‌زند. این چرخه، الزاماً با سقوط ناگهانی تولید همراه نیست، اما رشد اقتصادی را کم‌جان و شکننده می‌کند.

افزایش مزد یا کلابرداری وسوءاستفاده ابزاری از قانون؟

یک فعال کارگری هم در گفت‌وگو با خبرنگار ما به این پرسش پاسخ می‌دهد که غیر از اجرای درست و دقیق ماده ۴ قانون کار مبنی بر تعیین حداقل مزد مبتنی بر تورم و سبب معیشت (که حداقل این رقم اکنون فراتر از ۳۰ میلیون تومان ارزیابی می‌شود و هیچ نسبتی با حداقل مزد کارگران ندارد)، چگونه می‌توان مزد کارگران را ترمیم کرد؟

فرامرز توفیقی می‌گوید: متأسفانه صحبت از «افزایش دستمزد» از چهار دهه پیش تاکنون در ایران بی‌معنا بوده و

دلار (برای نیروی کار ماهر) است. در آمریکای شمالی هم کانادا ۲ هزار و ۷۰ دلار و ایالت واشنگتن ۲ هزار و ۷۳۵ دلار در سطوح بالای حداقل مزد قرار دارند و در آسیاییز کر جنوبی با هزار و ۵۰۰ دلار در صدر قرار دارد. در شرایطی که امروز دانمارک، فنلاند، ایسلند، سوئد و نروژ به عنوان نمونه‌هایی از ثروتمندترین کشورهایی که دستمزد بالاتری نسبت به حداقل‌های جهانی به نیروی کار می‌پردازند، در بسیاری از کشورهای آفریقایی از جمله تانزانیا، غنا و ماداگاسکار دستمزد کارگر کمتر از ۳۰ دلار است و در آسیای هم هند رقم ۶۴ دلار را به ثبت رسانده و یکی از پایین‌ترین ارقام مزدی را به کارگران می‌پردازد. از زیبایی‌ها نشان می‌دهد پس از هند، نیجریه، پاکستان و ارمنستان کمترین حقوق را به کارگران می‌پردازند.

نگاهی به کاهش ارزش واقعی مزد کارگر ایرانی طی ۲۰ سال گذشته نشان می‌دهد این روند تا امروز ادامه داشته و از اواسط دهه ۹۰ شمسی به این سو تشدید شده است. در نیمه دهه ۹۰ و با دلار ۳ هزار و ۴۰۰ تومانی، حداقل حقوق ماهانه کارگر (۸۱۲ هزار تومان بدون مزایا) ۲۳۸ دلار، ارزش داشته و با مزایا (حق اولاد، سنوات و بن خواربار) این رقم، حوالی ۳۰۰ دلار بود. برخی برآوردهای کارشناسی هم نشان می‌دهد قدرت خرید واقعی کارگر ایرانی در کمتر از یک دهه گذشته بیش از ۴۶۱ درصد سقوط کرده و سطح معیشتی خانوار کارگری امروز به ۴۰ درصد از سطح اواسط دهه ۹۰ هم نمی‌رسد و تازه‌ترین ارقام حداقلی مزد در کشورهای مختلف نشان می‌دهد حداقل دستمزد کارگر ایرانی در مقایسه با کشورها به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته از جمله استرالیا، آلمان و لوکزامبورگ به‌هیچ‌وجه قابل توجیه نیست و آنچه امروز کارگر ایرانی دریافت می‌کند، تقریباً به اندازه کارگر ازبکستانی، نیجریایی و هندی است!

پیامدهای خرد و کلان افت ارزش مزد کارگران

درخصوص پیامدهای کاهش ادامه‌دار ارزش حداقل مزد کارگر ایرانی به‌ویژه وقتی با شاخص‌های دلاری با قدرت خرید سنجیده می‌شود، گفتنی است در سطح خانوار، افت ارزش واقعی مزد به‌معنای کوچک شدن پیوسته سبب مصرف است، اما نه الزاماً به شکل حذف کامل کالاها. آنچه بیشتر دیده

فرزانه غلامی ۹۰ روز پایانی هر سال، برای کارگر ایرانی موعِد «گوش به زنگی» درخصوص رقم مزدی سال پیش رو است و امسال که تورم، مهارناپذیرتر ظاهر شده، ترمیم دستمزد کارگران که با احتساب خانوارهایشان بیش از نیمی از جمعیت ۹۰ میلیونی کشور را به خود اختصاص داده‌اند هم ضروری‌تر شده است. عقب‌ماندگی تاریخی مزد کارگر ایرانی از تورم البته حرف تازه‌ای نیست، اما در روزهای آغازین زمستان ۱۴۰۴ و بنا به تأیید بسیاری از فعالان صنفی و کارشناسان، حداقل مزد ماهانه ۱۰ میلیون و ۴۰۰ هزار تومانی، فقط پاسخگوی چندروز از معیشت کارگران است و این آمار وقتی تأمل برانگیزتر می‌شود که بدانیم قدرت خرید کارگران، امسال و با شروع موج گرانی به‌ویژه در حوزه کالاهای اساسی به پایین سطح در دهه اخیر رسیده است.

در آستانه جدی شدن مذاکرات مزدی ۱۴۰۵ میان نمایندگان شرکای سه‌گانه (دولت، کارفرمایان و کارگران) ارزش دلاری حداقل مزد کارگران با در نظر گرفتن دلار حداقل ۱۳۰ هزار تومانی به حدود ۸۰ دلار رسیده است که با در نظر گرفتن مزایا و مجموع دریافتی کارگران به ۱۰۰ دلار هم نمی‌رسد!

فروردین امسال و در انتقاد از عقب‌ماندگی مزدی کارگران از تورم، برخی کارشناسان از کاهش ۵۰ درصدی ارزش دلاری حداقل مزد در ۱۴ سال گذشته گفتند و اینکه این رقم به کمتر از ۱۵۰ دلار رسیده است، اما پس از حدود ۶ ماه همین رقم حدود ۸۰ دلار برآورد می‌شود؛ رقمی که به باور کارشناسان و با توجه به تورم فعلی اگر براساس واقعیت‌های اقتصادی و معیشتی ترمیم و تعدیل نشود، علاوه بر امروز و فردای معیشت کارگران، بهره‌وری، بدنه تولید، اقتصاد ملی و فرایند رشد و توسعه اقتصادی کشور را هم تهدید می‌کند.

مزد کارگر ایرانی به اندازه کارگر ازبک، نیجریایی و هندی

ارقام نزولی در حوزه توان خرید و ارزش واقعی مزد کارگر ایرانی (مبتنی بر نوسان‌های ی‌وقفه‌آزری و تأثیر آن بر هزینه معیشت) در شرایطی است که در به‌روزترین آمار جهانی، اروپا به عنوان قوی‌ترین دارنده حداقل دستمزد‌های واقعی جهان معرفی شده و برای نمونه این رقم در لوکزامبورگ بیش از ۳ هزار و ۲۰۰

مسکن

وزارت راه و شهرسازی برای حمایت از زوج‌های جوان، ۱۰ هزار واحد مسکن استیجاری را از طریق تهاتر دارایی‌ها خریداری می‌کند. به گزارش قدس آنلاین، براساس اعلام مسئولان وزارت راه و شهرسازی، این وزارتخانه قصد دارد با خرید ۱۰ هزار واحد مسکن استیجاری، از زوج‌های جوان حمایت کند.

این اقدام در راستای برنامه اجرایی دستورالعمل ماده ۶، بسته مدیریت بازار اجاره انجام خواهد شد. هدف اصلی، فراهم کردن مسکن مناسب برای جوانان و کاهش مشکلات آن‌ها در این زمینه است. فرزانه صادق، وزیر راه و شهرسازی از طریق مکاتبه با مدیران کل راه و شهرسازی ۳۱ استان کشور، بر ضرورت تسریع

برگ سبز وانت پیکان مدل ۱۳۹۱ رنگ سفید شماره موتور ۱۱۴۴۰۰۲۱۷۰۷ و شماره شاسی NAAAF6AAFCG3۴۴۴۴ ایران ۳۶-۶۲۱-۲۶ به نام حسین اسدی قلعه نی مفقودی و اعتبار ندارد .

یک فقره پروانه بهره برداری سنگ آهن هماتیت سست ۱ و خاک روی اکسیدی به شماره ۹۵۷۳ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۳ متعلق به سید مصطفی سیدی فرزند محمد به کد ملی ۰۶۳۸۶۸۱۴۳۱ به شماره

شناسنامه ۹۵ صادر ه از اسفراین ساکن اسفراین خیابان سیاه ۱۹ بن بست عارف ا به کد پستی ۹۶۶۱۹۶۵۳۱۲ محمد حسین حسن زاده به کد ملی ۰۶۳۹۰۳۵۵۰۷ به شماره شناسنامه ۲۰۵ صادره از اسفراین ساکن اسفراین خیابان طالقانی نرسیده به طالقانی ۱۳ پلاک ۱۲۷ مفقود وفاعد اعتبار است.(نوبت دوم)

برگ سبز خودرو جیب صحرا به رنگ سورمه ای مدل ۱۳۷۵ و شماره موتور ۶۴۸۱ و شماره شاسی ۵۳۱۰۸ و شماره پلاک ۹۵۸ ن ۸۷ ایران ۱۲ متعلق به ابو الفضل غلام پور ویرانی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

مسئله مهم «جبران قدرت خرید» است. واقعیت این است که وقتی قانونی درست اجرا نشده، اصلاً حق نداریم بگوییم این قانون بد است یا جواب نمی‌دهد. ماده ۴۰ هم هیچ وقت اجرا نشده است.

او ادامه می‌دهد: در ایران اساساً کارفرمایی، صنعتگری و کارآفرینی هم بی‌معنی است و کشور بر مدار نوعی سرمایه‌داری می‌چرخد که نه اسلامی است نه غیراسلامی، نه لیبرالیستی است و نه نئولیبرالیستی و شاید روزی در اقتصاد، رشته‌ای به نام «مدل ایرانی» ایجاد شود؛ چرا که صاحبان سرمایه و خود دولت به عنوان کارفرمای بزرگ، خیلی خوب می‌دانند که مارپیچ دستمزد و تورم در ایران معنا ندارد، چون اساساً تورم در ایران نشأت گرفته از افزایش مزد نیست؛ بلکه محصول بی‌انضباطی‌های مالی از جمله چاپ پول و بانک‌های بی‌پشتوانه‌ای که مثل قارچ سبز شده‌اند، است.

عضو سابق کمیته دستمزد شورای عالی کار معتقد است بی‌انضباطی‌های مالی، تورم‌سازی می‌کند و در ادامه آن هر سال ناگزیر رقمی به حقوق کارگر اضافه می‌شود، اما نه به‌عنوان افزایش دستمزد؛ بلکه فقط برای «جبران حداقلی قدرت خرید». در شورای عالی کار می‌گویند تورم مثلاً ۲۰ درصد است. بعد حقوق ۱۰ میلیونی کارگر را ۲۰ درصد زیاد می‌کنند؛ یعنی ۲ میلیون تومان در حالی که همان موقع، هزینه زندگی کارگر -با-استاد به‌بند دوم ماده ۴۱- مثلاً ۴۰ میلیون تومان بوده است و ۲۰ درصد تورم روی ۴۰ میلیون یعنی ۸ میلیون تومان. یعنی کارگر همان سال ۶ میلیون تومان عقب افتاده است. این ۶ میلیون تومان نشان دهنده کوچک شدن سرفره کارگر است و این نگاه شورای عالی کار، مصداق سوءاستفاده ابزاری از قانون و به عبارت صریح‌تر، نوعی کلابرداری است!

به گفته وی، مسئله روشن است اگر مبنارابر تورم می‌گذاریم، باید تورم سبب معیشت را با عنوان بن خواربار، پایه مزدی، کمک هزینه و یا هر عبارتی، به حقوق اضافه کنیم، اما چون این کار را نمی‌کنیم، هر سال قدرت خرید کارگر کمتر می‌شود. توفیقی معتقد است گام نخست برای توقف این چرخه ناعادلانه به رسمیت شناختن تشکل واقعی از دل جامعه کارگری است و نه تشکل‌های به تعبیر او «زرد» یا تشکلی که نماینده‌اش از سوی کارفرما، وزارت کار و نهادهای نظارتی تأیید می‌شود؛ چراکه چنین تشکل‌هایی به‌طور ناخواسته «دولتی» هستند و نمی‌توانند نماینده واقعی کارگر باشند.

این فعال کارگری همچنین می‌گوید: قدم دوم، رفتن به سمت سندیکا است. نمی‌شود حقوق همه کارگران را با یک نسخه واحد ترمیم کرد. کارگر معدن یا آبدارچی مدرسه یا کارگر لاستیک‌سازی با کارگر دروسازی یکی نیست پس باید سندیکا داشته باشیم. سندیکایی که روبه‌روی کارفرمای یک صنف بنشیند و درباره دستمزد همان صنف حرف بزند.

به باور وی، پس از ایجاد سندیکا و مذاکرات صنفی می‌توان درباره سهم واقعی دستمزد در قیمت تمام‌شده کالا صحبت کرد؛ حال آنکه در شورای عالی کار ارقام مختلف در این خصوص مطرح است.

به گفته توفیقی تا وقتی تشکل واقعی، سندیکا و اجرای قانون در اولویت نباشد، ارزش واقعی حداقل مزد هر روز کاهش‌ی‌تر می‌شود. توفیقی معتقد است تنها بدین وسیله می‌توان مدعی بود «مدرن‌سازی» دستمزد در کشور اجرا شده؛ امری که در همه‌جای دنیا رایج است و نه فقط کشورهای توسعه‌یافته مانند آلمان، سوئد، استرالیا، فرانسه یا کانادا؛ بلکه همین کشورهای همسایه همچون ترکیه نیز چنین مسیری را رفته‌اند.

لازم به ذکر است علاوه بر اظهارات این فعال کارگری، صاحب‌نظران دیگری هم معتقدند با اصلاحات گام به گام و واقع‌بینانه از جمله تقویت سازوکارهای جبران غیرنقدی، بازنگری در نظام تأمین اجتماعی، هدفمندتر شدن یارانه‌ها و پیوند دادن سیاست مزد با بهره‌وری و تورم بخشی، می‌توان بخشی از فشار ناشی از کاهش ارزش واقعی حداقل مزد را تعدیل کرد، اما مهم‌تر از همه «شفافیت» در گفت‌وگوهای شرکای اجتماعی سه‌گانه است تا مزد و مذاکرات مزدی را نه صرفاً یک عدد؛ بلکه بخشی از معادله بزرگ‌تر یعنی «توسعه ملی» بدانند.

پروانه ساختمانی به شماره ۱۶۳۱،۷۸-۱۰۰،۱۳۸۸،۱۳۸۸،۱۳۸۸ متعلق به خانم زینب محمدی به آدرس شهرفرهادگرد ، خیابان تختی ۲/۲مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می باشد.

درخواست آکهی تون رو بفرستید. **بقیه کارهاش باما** 09020037088

مجتمع چاپ و نشر روزنامه قدس

اچاپ افست | چاپ شیت | چاپ رول | بیووی |

اسلفون | لیتوگرافی | صحافی | برش |

مجهزترین چاپخانه شرق کشور با پرسنل حرفه‌ای



۰۵۱-۳۷۰۸۸

مشهد مقدس، بلوار سجاد، نبش سجادیک

(واحد سفارشات مؤسسه فرهنگی قدس)